

ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۸۴
۸ شهریور ۱۳۹۷ / ۳۰ اوت ۲۰۱۸



حقوق خانواده زندانیان



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: نعیمه دوستدار

تحریریه: مریم دهکردی، معین خزائلی، نیلوفر جعفری، مریم دهکردی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

نقض حقوق خانواده زندانیان:
سوءاستفاده از اختیارات قانونی

حقوق زندانی، مترادف حقوق خانواده زندانی است

حقوق خانواده زندانیان در ایران؛ یک خلاء قانونی

خانواده زندانیان سیاسی قربانی قانون مجازات اسلامی

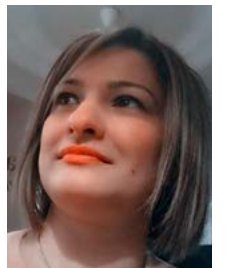
شکنجه نوع دوم؛ آزار خانواده زندانیان سیاسی

در بسیاری از موارد، پیگیری حقوق خانواده‌های زندانیان مورد غفلت قرار می‌گیرد. یکی از آن جنبه که اغلب مسایل فرد زندانی به نحو پررنگ‌تری مورد توجه فعالان حقوق بشر و حقوقدانان است و دیگر از آن رو که خود این افراد چندان به حقوق قانونی خود آگاه نیستند و نقض حقوق خود را پیگیری نمی‌کنند. در این زمینه به نظر می‌رسد که آگاهی رسانی درباره جنبه‌های مختلف نقض حقوق انسانی خانواده‌های زندانیان یکی از وظایف فعالان حقوق بشر، وکلا و حقوقدانان باشد.

در این شماره مجله حقوق ما به طور ویژه به نقض حقوق خانواده‌های زندانیان پرداخته‌ایم با این رویکرد که پررنگ کردن حقوق زندانیان و خانواده‌های آنان موضوعی دوجانبه است که نقض هریک به نقض دیگری و تامین هریک به تامین دیگری می‌انجامد.

آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.» با این حال در نظام قضایی ایران، خانواده‌های زندانیان گاه به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بیشتر بر فرد زندانی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند و گاه نقض حقوق عضو زندانی شده، آنها را به شکل ثانویه از حقوق انسانی خود محروم می‌کند. روزی نیست که در پوشش اخبار مربوط به زندانیان با مواردی از این دست رو به رو نشویم. خانواده‌های بی‌خبر از سرنوشت عضو خود، خانواده‌هایی که مجبور به طی مسیرهای طولانی برای ملاقات می‌شوند، خانواده‌های محروم از ملاقات و خانواده‌هایی که به دلیل نسبت به فرد زندانی تحت بازجویی قرار می‌گیرند، زندانی می‌شوند، اموالشان توقیف می‌شود یا از استخدام و تحصیل باز می‌مانند. از لحاظ حقوقی، این گونه برخوردها با خانواده‌های زندانیان جرم است و کیفر دارد و در حقیقت سوء استفاده از اختیارات قانونی به شمار می‌آید.

نقض حقوق خانواده زندانیان: سوءاستفاده از اختیارات قانونی



نعیمه دوستدار

خانواده‌های زندانیان در ایران تنها با رنج بازداشت و اسارت عضو خانواده خود روبه‌رو نیستند. سیاسی یا غیرسیاسی، دلیل بازداشت هرچه باشد، اصل شخصی بودن جرایم و مجازات‌ها، اعضای خانواده را از تحمل هرگونه مجازات و تهدیدی به دور نگه می‌دارد.

قوانین ایران صراحتاً به شخصی بودن مجازات‌ها اشاره نمی‌کند اما به هر حال قانونگذار در همه جرایم اشاره می‌کند که هر کس مرتکب جرمی شود، به مجازات محکوم می‌شود. همچنین با توجه به اینکه اصل براءت و اصل قانونی بودن جرم و مجازات‌ها در قانون اساسی و قوانین عادی مورد اشاره قرار گرفته است، می‌توان گفت به نوعی اصل شخصی بودن نیز در این مواد و اصول نهفته است. همچنین در اصول متعددی به طور غیر مستقیم این اصل بیان شده است؛ از جمله اصل ۳۷ که بیان می‌دارد: «اصل، براءت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت شود.» و اصل ۳۹ که تصریح کرده: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.» و همچنین اصل ۱۶۹ قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «هیچ فعلی یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از

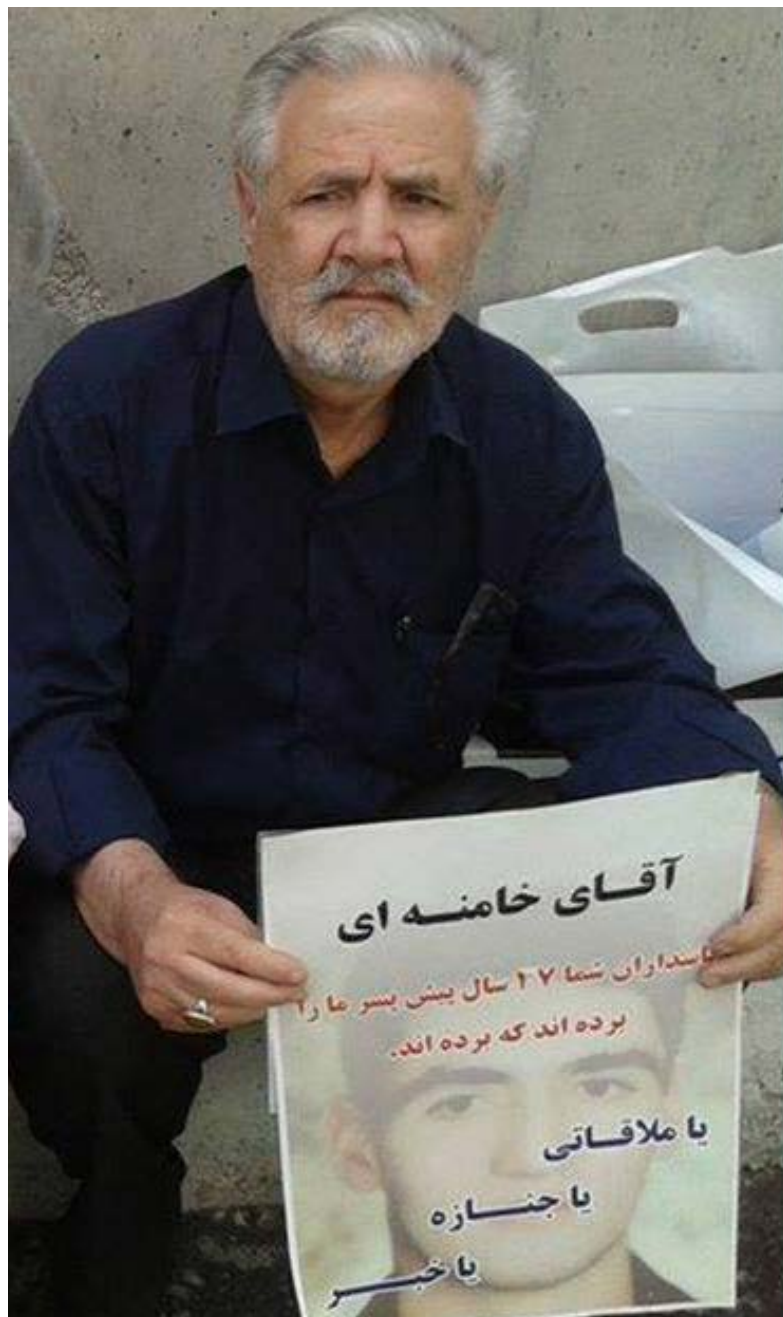


حقوق زندانی، مترادف حقوق خانواده زندانی است

جلال سمیع زاده

حقوق زندانی مساوی با حقوق خانواده او هم هست، به این معنا که تمامی تضمینات حقوقی‌ای که برای افراد زندانی یا بازداشت شده در نظر گرفته می‌شود، دو جنبه دارد و خانواده متهمان را نیز از ثمرات قانونی خود بهره‌مند می‌کند. به عنوان مثال، حق متهم به تفهیم اتهام در اسرع وقت، خانواده او را از چرایی دستگیری مطلع می‌کند و حق زندانی برای داشتن ارتباط با دنیای خارج، خانواده را از اضطراب و رنج روانی ناشی از سردرگمی و اطلاع نداشتن از وضع متهم رها خواهد کرد. برخی از متخصصان بر این باورند که آنچه بیش از دیگر حقوق، باید مورد تأمل قرار بگیرد، حق خانواده بر حقیقت، یعنی حق آگاهی و اطلاع یافتن از وضع اعضای مفقود و بازداشت شده، علل مستند و مستدل دستگیری، محل بازداشت، مدت بازداشت و موعد رسیدگی به اتهام او و نیز حق مطلق خانواده بازداشت‌شده به رهایی از رفتارهای غیرانسانی، و حق آنها به تظلم خواهی از مرجع ذیصلاح مستقل و بی‌طرف و... است. مهمترین حقوق مذکور که اکنون در نظام‌های حقوقی و قضایی جهان بر آنها تأکید می‌شود، شامل موارد زیر است: ملاقات خانوادگی، بیشتر در کشورهای اروپای شرقی و آسیای مرکزی به عنوان حقیقی برای زندانیان و خانواده‌های آنها در نظر گرفته شده است. بر این اساس، تعدادی آپارتمان کوچک در مجتمع‌های قضایی و زندان تعبیه شده و زندانی قادر خواهد بود تا به مدت ۷۲ ساعت به همراه خانواده خود آنجا اقامت داشته باشد. ملاقات زناشویی هم در برخی کشورها، نظیر سوئد و دانمارک وجود دارد. بر این اساس، متأهلان محروم از آزادی، حق

ملاقات محرمانه حداقل سه ساعت با همسر خود را دارند. در برخی کشورهای آمریکای لاتین اعطای این قسم از ملاقات در پایان هفته امری مرسوم است. ملاقات عمومی یکی دیگر از این حقوق است. از آنجا که ملاقات خصوصی برای همه زندانیان، در همه وقت ممکن نیست، اتاق‌های بزرگ ویژه‌ای در نظر گرفته شده است که در آن ملاقات به صورت عمومی و با شرایط ذیل صورت می‌گیرد: یعنی ملاقات مستقیم و بدون مانع فیزیکی. همچنین در بسیاری از نظام‌های حقوقی بین‌المللی، ممنوعیت جلوگیری از تماس بدنی زندانی و ملاقات‌شونده مگر به دلایل موجه به ویژه وقتی ملاقات‌کننده کودک باشد و برای ملاقات پدر یا مادرش آمده است؛ در نظر گرفته شده است. موارد ذکر شده، از سوی نظام بین‌المللی حقوق بشر، در اسناد متعدد و به ویژه در قواعد راهنمایی تضمین شده و هدف آن این است تا عملکرد و راهبردهای نظام‌های قضایی و امنیتی کشورها را جهت‌دهی کند. با دیدی وسیع، نه تنها لزوم ملاقات با خانواده را از نظر دور نداشته و آن را از لوازم دادرسی عادلانه به شمار آورده است، بلکه همچنین دامنه شمول این حق را به محرومان از آزادی در اماکن بازداشت تسری داده و آن را محدود به محکومان به حبس نکرده است. به همین دلیل است که مواردی مانند حق زندانی یا بازداشتی به ملاقات و مکاتبه با اعضای خانواده‌اش؛ حق بازداشت‌شده برای اطلاع دادن بازداشت خود و محل بازداشتگاه به اعضای خانواده‌اش، نگهداری بازداشت شده در صورت امکان در نزدیکی محل معمول اقامتش، اطلاع‌رسانی درباره انتقال بازداشت شده از یک مکان به مکان دیگر بدون تأخیر به



اعضای خانواده در نظر گرفته می‌شود. همچنین حق شکایت بازداشت شده از تنبیه غیرانسانی و در صورت ناتوانی، داشتن این حق برای اعضای خانواده، آگاهی اعضای خانواده از چرایی مرگ بازداشت‌شدگان یا محبوسان در اماکن حبس و بازداشت محفوظ است و دسترسی آسان بستگان کودکان محروم از آزادی با او به منظور صیانت از روابط بین کودک و خانواده و نیز تسهیل بازپروری او. حق ارتباط در فواصل منظم، خواه از طریق مکاتبه یا ملاقات حضوری با خانواده هم ضروری شمرده می‌شود. توجه ویژه به حفظ و بهبود روابط زندانی با خانواده‌اش، ممنوعیت استفاده از محدودیت ملاقات بین بازداشت‌شده و اعضای خانواده‌اش به مثابه ابزار فشاری برای کسب اقرار، حق ارتباط بازداشت‌شده با خانواده و دوستان، به عنوان جزو

لایفک رفتار عادلانه در نظام‌های حقوقی در نظر گرفته می‌شود.

در ایران، در قانون آیین دادرسی کیفری و پیش از آن، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز، مواردی پیش‌بینی شده که می‌تواند به‌عنوان حقوق خانواده زندانیان در نظر گرفته شود. این موارد به طور خلاصه شامل آگاهی از وضعیت زندانی، حق ملاقات خویشان با زندانی، اقداماتی که می‌توانند برای حمایت از زندانی خود بکنند و بالاخره حمایت‌هایی است که از خانواده زندانیان می‌شود. به علاوه، این موارد شامل لزوم آگاهی افراد خانواده از وضعیت فرد دستگیرشده وابسته به آنها، مصونیت نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌ها و فیلم‌های خانوادگی و اسرار شخصی مربوط به خانواده از توقیف و ضبط، حق زندانی در خصوص اطلاع‌دادن تلفنی یا به هر وسیله دیگر به خانواده خود در مورد تحت‌نظر بودنش، حق خانواده و بستگان نسبت به درخواست معاینه‌شدن متهم و فرد تحت نظر به‌وسیله پزشک و ثبت نتیجه در پرونده و حق ملاقات زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزندان متهم یا فرد محکوم، همین‌طور پدر و مادر همسر وی با زندانی که با صلاحدید رئیس مؤسسه یا قاضی ناظر با حضور مأمور مراقب به‌صورت حضوری صورت می‌گیرد و همچنین همسر و فرزندان با نظر مقامات پیش‌گفته ممکن است ملاقات بدون حضور مراقب داشته باشد.

همچنین حق دریافت هر هفته دو نامه از زندانی خطاب به همسر و فرزندان و والدین او، امتیاز به مرخصی آمدن زندانی که (حسب تصریح آیین‌نامه، حق محسوب نمی‌شود)، امکان ملاقات حضوری ویژه برای افرادی که زوج یا زوجه آنها زندانی است هم از حقوقی است که در قوانین مربوط به زندانیان می‌تواند به‌عنوان حقوق خانواده زندانیان هم تعریف شود. علاوه بر این، با توجه به بند «ج» ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها... به سازمان زندان‌ها «کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده زندانیان، جزء وظایف این سازمان است».

با تمام اینها و با توجه به اصل فردی بودن مجازات و مسوولیت کیفری در همه مکاتب حقوقی و از جمله در ایران به عنوان یک اصل بدیهی پذیرفته شده است، به این معنی که هر فرد مسوول اقدامات خودش است و نمی‌توان کسی را به دلیل اعمال فرد دیگری مسوول دانست و مجازات کرد. در ایران اما، خانواده‌های زندانیان اعم از سیاسی یا عادی، به شیوه‌های مختلف با نقض حقوق خود مواجه‌اند و حتی در مواردی، با تهدید و مجازات روبه‌رو می‌شوند. از جمله اینکه اموال و دارایی‌هایشان ضبط می‌شود، بازجویی و زندانی می‌شوند، از کار برکنار می‌شوند یا حتی امکان استخدام و تحصیل را از دست می‌دهند.



حقوق خانواده زندانیان در ایران؛ یک خلاء قانونی



معین خزالی

به طور کلی و بر اساس یکی از اصول پذیرفته شده علم حقوق، اعمال مجازات و تنبیه تنها باید متوجه مرتکب جرم بوده و جامعه، اطرافیان و مهمتر از همه خانواده مجرم نباید از بابت فعل مجرمانه ارتكابی از سوی وی، متضمن ضرر و یا عقوبتی شوند. در حقیقت بر مبنای این اصل، که در احکام حقوقی فقه به قاعده «لاتزر» و در علم حقوق به «اصل شخصی بودن مجازات ها» شناخته می شود، اعمال مجازات ها بر مجرمان باید مبتنی بر ساز و کاری باشد که تا حد امکان از سرایت آثار و نتایج فعل مجرمانه به خانواده مجرم جلوگیری شود.

با این وجود اما روشن است که اساسا نتایج فعل مجرمانه که مجازات یکی از آنها است جدای از مجرم، خانواده و نزدیکان او را نیز تحت تاثیر قرار داده و خواه ناخواه سبب ایجاد مشکلات روانی، اجتماعی و در مواردی نیز معیشتی برای آنها خواهد شد؛ به ویژه اگر فرد مجرم سرپرست خانوار بوده و یا بار تامین مالی خانواده اش بر عهده وی بوده باشد.

از این رو در بسیاری از نظام های حقوقی در دنیا، قانونگذاران برای اجرای هرچه بهتر اصل شخصی بودن مجازات ها و نیز با هدف اجرای سیاست های پیشگیری از وقوع جرم و تلاش برای ارتقاء نظم اجتماعی اقدام به احصاء قوانینی در راستای حمایت از خانواده مجرمان و زندانیان می کنند. از مهمترین این حقوق که در نظام های حقوقی اکثریت کشورها به عنوان حقوق خانواده زندانی یا متهم به رسمیت شناخته شده، می توان به

خانواده او باید به صورت مستمر و مداوم با یکدیگر در ارتباط بوده و ایجاد هرگونه محدودیت و ممنوعیت غیرموجه در این زمینه غیر انسانی و چه بسا در بسیاری از کشورها غیرقانونی است. اهمیت این حق به حدی است که «پیمان نامه بین المللی حمایت از ناپدیدشدگان اجباری» مصوب مجمع عمومی سازمان ملل نیز آن را یکی از حقوق غیر قابل انکار زندانی و خانواده او اعلام کرده است. همچنین در تعدادی از کشورها (مانند سوئد، دانمارک، برزیل، آرژانتین، مکزیک، تایلند) این حق ملاقات شامل ملاقات های خصوصی چند ساعته به ویژه بین زوج ها و زندانیان دارای فرزند نیز شده و آنها می توانند به صورت هفتگی یا ماهانه به صورت خصوصی با خانواده خود وقت بگذارند.

در ایران نیز آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در ماده ۱۸۰ خود با اعلام حق زندانیان مبنی بر ارتباط با خانواده بر استمرار این ارتباط از طریق مکاتبه تاکید کرده است. همچنین در ماده ۱۸۲ نیز حق ملاقات هفتگی بین زندانی و اعضای درجه یک خانواده او به رسمیت شناخته شده است. در عین حال اما، بر مبنای این قانون، حق ذکر شده ملاقات به صورت عمومی بوده و مشمول قوانین مربوط به ملاقات های عمومی است. در حقیقت قوانین موضوعه ایران حق برخورداری از ملاقات خصوصی بین زوجین یا فرزندان زندانی را به عنوان یک حق قانونی به رسمیت شناخته و به صراحت در ماده ۱۸۵ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها این موضوع را منوط به موافقت رییس زندان یا قاضی ناظر کرده و از آن به عنوان موضوعی اختیاری یاد کرده است.

همچنین قوانین موضوعه ایران خلاف قوانین تعداد قابل توجهی از کشورها در زمینه حقوق زندانی، حق مرخصی او، که به طور مستقیم نیز به حقوق خانواده زندانی مرتبط می شود، را به عنوان حق قانونی به رسمیت شناخته و از آن به عنوان امری اختیاری و تشویقی یاد کرده و آن را مشروط به نظر

حق ارتباط با زندانی و ملاقات او

حق ارتباط با زندانی و ملاقات وی یکی از اصلی ترین حقوق خانواده زندانی و تقریبا در تمامی کشورها این حق به صورت قانونی به رسمیت شناخته است. بنا بر این اصل، زندانی و



رییس زندان و قاضی پرونده کرده است.

حق اطلاع از وضعیت زندانی و روند دادرسی پرونده
یکی دیگر از حقوق ابتدایی خانواده زندانی، حق اطلاع از روند دادرسی پرونده زندانی، محل نگهداری او، اتهام وارده، وضعیت سلامتی و نیز اطلاع از اعمال تغییرات در هر یک از این موارد است. بر اساس این حقوق، تمامی اطلاعات فوق باید به اطلاع خانواده متهم و زندانی برسد، مگر آنکه به دلایل موجه قانونی بنا به صلاحدید مقام قضایی، یکی از این اطلاعات محرمانه قلمداد شود. از این رو نمی‌توان این حقوق را به راحتی نقض کرده یا از آنها به عنوان ابزاری برای اقدامات تنبیهی علیه متهم و یا زندانی استفاده کرد.

قوانین موضوعه ایران نیز در این موضوع مسکوت نبوده و قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۵۰ خود، ضابطان قضایی را مکلف کرده است تا شرایط لازم را برای آگاهی بخشی به خانواده متهم در زمینه موارد گفته شده را فراهم آورند. همچنین بر اساس ماده ۵۱ این قانون، در صورت درخواست خانواده متهم برای رسیدگی به وضعیت سلامتی او، مقامات مسئول موظفند شرایط لازم در این زمینه را فراهم کرده پس از بررسی متهم توسط پزشک، اطلاعات مربوط به وضعیت سلامتی متهم را به خانواده او انتقال دهند.

بر این اساس متهم یا زندانی حق دارد، اخبار مربوط به محل نگهداری و ایجاد هرگونه تغییرات در موارد این چنینی را به خانواده خود اطلاع دهد.

با این حال علی‌رغم صراحت قوانین موضوعه در ایران در مورد این موضوع و اذعان به اینکه تنها در موارد خاص و آن هم بنا بر نظر قاضی پرونده می‌توان متهم و خانواده وی را از این حقوق محروم کرد اما، رویه قضایی در ایران نشان می‌دهد که دستگاه قضایی این کشور با سوء استفاده از این اختیار قانونی، به ویژه در مورد متهمان سیاسی، از آن به عنوان راهی برای فشار بر متهم و یا خانواده او استفاده می‌کنند. عملی که با توجه به نص صریح قانون در ایران ممنوع است.

حمایت از حقوق اجتماعی و فردی اعضای خانواده زندانی

احترام به آزادی‌های فردی و اجتماعی خانواده زندانی، عدم ایجاد محدودیت‌های اجتماعی برای آنها، عدم ایجاد مزاحمت‌های قضایی و پلیسی در هنگام تحقیقات قضایی و نیز حمایت و محافظت از حریم خصوصی و اموال خانواده متهم یا

زندانی و ممنوعیت تجاوز به این حریم از دیگر حقوقی هستند که در بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان حقوق ذاتی خانواده متهم و زندانی با آنها برخورد شده و الزامات قانونی برای ضمانت اجرای آن در نظر گرفته شده است.

در ایران نیز قوانین موضوعه با پرداختن به این موضوع سعی در به رسمیت شناختن این حقوق کرده‌اند. بر همین اساس قانون احترام به آزاد‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ در مواد ۸، ۱۱ و ۱۴ خود کلیه دستگاه‌ها، ضابطان و مقامات قضایی و پلیسی را مکلف به رعایت این حقوق کرده است. در همین زمینه قانون آیین دادرسی کیفری نیز در مواد ۹۶، ۱۴۰ و ۱۴۲ به روشنی اقدام به احصاء مواردی از جمله الزام به رعایت حریم خصوصی خانواده متهم، ممنوعیت ایجاد مزاحمت برای آنها و نیز الزام به حفاظت از اموال آنها کرده است.

تصریح این قوانین در حالی است که الزامات و ضمانت اجرای اندک قانونی، قدرت بی‌حد و حصر مقامات و ضابطان قضایی، عدم استقلال دستگاه قضایی و نیز قدرت بی‌چون و چرای نهادهای امنیتی در ایران سبب شده خانواده محکومان

و متهمان، به ویژه متهمان و محکومان سیاسی، به طور سیستماتیک و هدفمند مورد آزار و اذیت قرار گرفته و افزایش فشار بر آنها، دستاویزی برای شکستن و شکنجه متهم شده است. علاوه بر این، اعمال تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان زندانی به شدت نهی شده است.

مادر با فرزندان خود به عنوان تنبیه علیه او استفاده کرد. ضمن اینکه اساساً اعمال مجازات‌های تنبیهی مانند حبس‌های انفرادی علیه مادران شیرده به طور کلی ممنوع شده است. علاوه بر این، اعمال تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان زندانی به شدت نهی شده است.

خانواده زنان زندانی و سکوت قوانین موضوعه ایران
قوانین موضوعه ایران در زمینه موضوع حمایت از خانواده زنان زندانی، به ویژه مادران، به شدت دچار پراکندگی بوده و اساساً هیچ قانون مشخصی در این زمینه در مجموعه قوانین مربوط به حقوق زندانیان در این کشور وجود ندارد. این در حالی است که حساسیت و جدیت این موضوع به حدی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب سندی در سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «قواعد سازمان ملل در خصوص رفتار با زنان زندانی و تدابیر غیر سالب آزادی برای بزهکاری زنان» بر این موضوع تأکید کرده و از کشورهای عضو خواسته تا در این زمینه قوانین مشخصی تدوین کنند.

به عنوان نمونه بر اساس این سند اعمال مجازات‌های تنبیهی بر مادران زندانی ممنوع بوده و نمی‌توان از ممنوعیت ملاقات

مادر با فرزندان خود به عنوان تنبیه علیه او استفاده کرد. ضمن اینکه اساساً اعمال مجازات‌های تنبیهی مانند حبس‌های انفرادی علیه مادران شیرده به طور کلی ممنوع شده است. علاوه بر این، اعمال تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان زندانی به شدت نهی شده است.

قوانین موضوعه ایران در زمینه موضوع حمایت از خانواده زنان زندانی، به ویژه مادران، به شدت دچار پراکندگی بوده و اساساً هیچ قانون مشخصی در این زمینه در مجموعه قوانین مربوط به حقوق زندانیان در این کشور وجود ندارد. این در حالی است که حساسیت و جدیت این موضوع به حدی است که مجمع عمومی سازمان ملل متحد با تصویب سندی در سال ۲۰۱۱ تحت عنوان «قواعد سازمان ملل در خصوص رفتار با زنان زندانی و تدابیر غیر سالب آزادی برای بزهکاری زنان» بر این موضوع تأکید کرده و از کشورهای عضو خواسته تا در این زمینه قوانین مشخصی تدوین کنند.

به عنوان نمونه بر اساس این سند اعمال مجازات‌های تنبیهی بر مادران زندانی ممنوع بوده و نمی‌توان از ممنوعیت ملاقات

مادر با فرزندان خود به عنوان تنبیه علیه او استفاده کرد. ضمن اینکه اساساً اعمال مجازات‌های تنبیهی مانند حبس‌های انفرادی علیه مادران شیرده به طور کلی ممنوع شده است. علاوه بر این، اعمال تبعیض‌های جنسیتی علیه زنان زندانی به شدت نهی شده است.

خانواده زندانیان سیاسی قربانی قانون مجازات اسلامی

نیلوفر جعفری

ماده ۲۷ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ استثنای دیگری است که مسئولیت اهانت به رهبر یا مرجع تقلید را مدیر مسئول نشریه می‌داند.

نکته‌ای که در همه موارد استثنا شده وجود دارد این است که شخصی بودن مجازات با شخصی بودن مسئولیت جزائی متفاوت است؛ یعنی ممکن است کسی مسئولیت جزائی داشته باشد اما مجازات او را دیگری تحمل کند.

هرچند که در ایران این اصل ظاهراً در مورد زندانیان غیر سیاسی به درستی لحاظ می‌شود اما این اصل در مورد افرادی که به جرائم سیاسی محکوم می‌شوند رعایت نمی‌شود.

همانطور که مشخص است در هیچ‌یک از موارد تعیین شده در قانون مجازات اسلامی ایران مجازات فرد یا افراد وابسته به مجرم به عنوان راهی برای مجازات تعیین نشده است. با این حال شکنجه و آزار خانواده و بستگان افرادی که به دلایل سیاسی در دادگاه‌های جمهوری اسلامی مجرم شناخته شده‌اند به عنوان راهی برای مجازات، آزار و خشونت مجرم سیاسی همواره در حال اعمال است.

مجرمان پرونده‌های سیاسی در ایران از همان ابتدا در زمان بازداشت، بازجویی، دادرسی و صدور و اجرای حکم با روند کاملاً متفاوتی روبه‌رو هستند که هیچ‌کدام از اصول تعیین شده در قانون دادرسی در آن رعایت نمی‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر عدم تطابق رویکرد سیاسی و مذهبی دستگاه قضایی با متهم سیاسی است. شواهدی که در نحوه بررسی پرونده‌های قضایی ایران وجود دارد نشان می‌دهند که سیستم قضایی ایران متهم سیاسی را فرد خبیثی

یکی از اصولی که در قانون مجازات اسلامی تعیین شده است اصل شخصی بودن جرائم و مجازات‌هاست. بر اساس این اصل مجازات باید فقط برای شخص مجرم در نظر گرفته شود. اگرچه مجازات هر شخص به نزدیکان فرد مجرم آسیب می‌زند و موجب آزار و نگرانی مستقیم آنها می‌شود اما اصل شخصی بودن فقط به مجازات فرد مجرم می‌پردازد و به این ترتیب نمی‌توان فرد دیگری را به جای شخصی که مرتکب جرم شده مورد مجازات قرار داد.

در قانون مجازات اسلامی برای تعریف این اصل به آیات قرآنی از جمله آیه ۱۶۳ سوره انعام و آیه ۲۸۵ سوره بقره استناد شده است که مسئولیت عمل را بر عهده فاعل آن دانسته است.

با این حال اصل شخصی بودن جرائم و مجازات‌ها در قانون چندین استثنا صریح دارد که شامل ماده ۴۹ و ۵۰ قانون مجازات است که می‌گویند جرمی که توسط کودک انجام شده است بر عهده فرد عاقله است. همچنین ماده ۳۰۶ این قانون دیه قتل خطای محض را بر عهده عاقله می‌داند. استثنا سوم نیز شامل جرائمی است که خطای محض نیست اما قانون آن را خطای محض می‌داند. در ماده ۳۲۳ و ۲۶۰ و ۳۲۳ قانون مجازات اسلامی خطای محض را تعریف کرده‌اند که شامل مواردی مانند نقص عضو بر اساس غلتیدن در خواب است.

استثنای دیگر ماده ۸۵ و ۹۵ قانون کار مصوب سال ۱۳۶۹ است. بر اساس این قانون کارفرما مسئول اتفاقاتی است که در اثر عدم رعایت مقررات در محیط کار می‌داند.



تعریف می‌کند و او را مستحق هرگونه شکنجه و آزار می‌داند و رفتار شایسته انسانی در قبال این فرد را رعایت نمی‌کند.

این رویکرد در عمل باعث می‌شود که قاضی، بازجو و زندانبان و دیگر مقاماتی که در بررسی پرونده سیاسی دخیل هستند فراتر از قانون عمل کنند و متهم سیاسی را در نحوه بازداشت، بازجویی و گرفتن اطلاعات و اعمال مجازات مستحق رعایت قوانین حقوقی، اخلاقی و انسانی ندانند.

سیستم قضایی و اطلاعاتی ایران در برابر مجرم سیاسی چگونه عمل می‌کند

گزارش‌هایی که به طور مرتب از نحوه اعمال مجازات بر مجرمان سیاسی ایران منتشر می‌شود حاکی از آن است که مجازات افراد سیاسی فراتر از آن چیزی است که در حکم قضایی صادر شده است. زندانیان سیاسی نه فقط احکام سنگین دریافت می‌کنند بلکه در دوران بازداشت و حبس با انواع شکنجه و آزار روبه‌رو می‌شوند. یکی از مصادیق آزار و شکنجه متهمان و مجرمان سیاسی در ایران شکنجه و آزار فرد

از طریق شکنجه و آزار و تهدید خانواده و بستگان فرد است.

حبس در تبعید

یکی از موارد مجازات خانواده زندانیان سیاسی مورد حبس در تبعید این افراد است. در موارد بسیاری خانواده‌های زندانیان سیاسی که فرزندان‌شان به حبس در تبعید محکوم شده‌اند نوعی مجازات را تجربه می‌کنند. خانواده‌های احمد کریمی، حامد روحی نژاد، ضیا نبوی و مجید که به حبس در تبعید محکوم شده‌اند بارها از سازمان‌های بین‌المللی در خواست کرده‌اند تا فرزندانشان به زندان اوین بازگردند.

دکتر محمد سیف زاده، وکیل دادگستری و عضو کانون مدافعان حقوق بشر می‌گوید در آیین نامه زندان‌ها، هر فردی که محکوم به زندان می‌شود باید محکومیتش را در زندانی بگذراند تا نزدیک خانواده‌اش باشد و بتواند با او ملاقات داشته باشد. حبس در تبعید هدفی ندارد جز اینکه خانواده زندانی را مجازات کند.

همسر علیرضای رجایی، فعال مذهبی که در سال ۱۳۸۸ دستگیر



شده بود نیز بارها تحت آزار روانی و شکنجه بازجو قرار گرفته بود. بازجو دائما با همسر علیرضا رجایی تماس می گرفت و یک بار به او اعلام کرده بود که علیرضا قرار است به برازجان تبعید شود و او باید از همسرش طلاق بگیرد. یکی از موارد دردناکی که می توان از آن به شکنجه زندانی و خانواده او اشاره کرد مرگ مادر و همسر پیمان عارفی، زندانی سیاسی در راه بازگشت از مسجد سلیمان محل تبعید پیمان بر اثر حادثه رانندگی بوده است.

بی خبری

یکی از رایج ترین مجازات های خانواده زندانیان سیاسی ایجاد وضعیت بی خبری نسبت به زندانی برای خانواده هاست. موارد زیادی از سوی خانواده زندانیان سیاسی گزارش می شود که آنها برای مدت های طولانی از وضعیت بازداشت، نگهداری و سلامت فرد زندانی بی خبر مانده اند. خانواده احمد عسگری، روزنامه نگار و فعال دانشجویی که در خرداد ۱۳۹۲ بازداشت شده بود ۵۷ روز از او بی خبر بودند. به گزارش خانواده احمد عسگری زمانی که آنها نسبت به سلامتی و وضعیت بیماری او از مسئولان پرسوجو می کردند مورد تمسخر آنها قرار می گرفتند.

شکنجه و آزار کودکان

شکنجه و مجازات کودکان قربانیان سیاسی نیز یکی از موارد مجازات خانواده هاست. در مورد پرونده نسرين ستوده وکیل شناخته شده فعالان حقوق بشری، حقوق زنان و قربانیان کودکان که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی زندانی بود، سیستم امنیتی ابتدا پرونده ای برای رضا خندان، همسر نسرين تشکیل داد، سپس خانم ستوده، خواهر رضا خندان و فرزندان این زوج برای چندین ساعت بازداشت شدند و با تشکیل پرونده ای برای دختر ۱۲ ساله آنها او را ممنوع الخروج کرد. نسرين ستوده در زندان در اعتراض به آنچه خود مجازات خانواده اعلام کرد ۴۹ روز در اعتصاب غذا بود. خانم ستوده گفته بود: «مجازات خانوادگی مختص من و خانواده ام نبوده است. برای بیان گستره این روش غیرعادلانه کافی است به خاطر داشته باشیم از میان ۳۶ زنی که در بند زندانیان سیاسی تحمل حبس می کنند، بستگان درجه یک ۱۳ تن از آنان یا در زندان و یا تحت تعقیب هستند. در این میان هستند کسانی که بیش از یک عضو خانواده شان در زندان یا تحت تعقیب هستند.»

همچنین در سال ۲۰۱۲، پس از بیانیه اعتراضی زندانیان سیاسی زن در مورد مرگ ستار بهشتی مسئولان زندان ملاقات حضوری با خانواده به ویژه فرزندان خردسال این افراد را دست آویزی برای شکنجه آنها قرار دادند.

فرزندان نرگس محمدی، فعال حقوق بشری و سیاسی که به ۱۶ سال حبس محکوم شده است نیز بارها ابزاری برای شکنجه و مجازات او و خانواده بوده اند. پس از مهاجرت فرزندان از ایران تماس نرگس محمدی با فرزندان به دستور دادستان کل قطع شد. این مساله برای او که یکی از فرزندان بیمار بود بسیار دشوار بوده است. نرگس محمدی به دلیل ممنوعیت برای تماس با فرزندان دست به اعتصاب غذا زد و فقط زمانی این اعتصاب را شکست که توانست با فرزندان تماس بگیرد.

مشکلات ملاقات

سالن های ملاقات معمولا در مکان هایی در نظر گرفته می شود که رفت و آمد به آنها برای افراد مسن دشوار است. پدر مصطفی نیلی در حالی فوت کرد که هیچ گاه نتوانست پله های سالن ملاقات اوین را طی کند و به دیدار فرزندش برود.

است نام برده است. آتنا همچنین به وضعیت کودک ۷ ساله آزیتا رفیع زاده و پیمان کوشک باقی اشاره کرده است که بین زندان های اوین و رجایی شهر سرگردان است.

مرخصی، ابزار شکنجه

یکی از مواردی که همیشه به عنوان ابزار شکنجه مجرمان سیاسی و خانواده ها مورد استفاده قرار می گیرد محرومیت افراد از مرخصی به عنوان یک حق لحاظ شده در قانون مجازات است. عباس امیر انتظام قدیمی ترین زندانی سیاسی جمهوری اسلامی ایران نمونه شناخته شده این نوع مجازات برای خود و خانواده اش بود.

فریبا کمال آبادی زندانی بهایی حتی برای ازدواج فرزندش هم نتوانست از حق مرخصی استفاده کند. او از مسئولان خواسته بود با دست بند و پا بند به این مراسم برود اما این امکان به او داده نشد.

آنچه ذکر شد تنها نمونه هایی بود از مصادیق نقض حقوق خانواده های زندانیان سیاسی در ایران.

میثاق یزدان نژاد زندانی سیاسی و مسعود باستانی روزنامه نگار زندانی که هر دو در زندان رجایی شهر شاهد بدرفتاری با خانواده های خود در سالن ملاقات بوده اند؛ وضعیتی که باعث شد سالن ملاقات به تنش کشیده شود. همسر و مادر مسعود باستانی در یکی از ملاقات ها در سالن ملاقات مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

حبس و زندان برای اعضای خانواده

آتنا فرقدانی زندانی سیاسی در سال ۲۰۱۷ به دلیل آزار و شکنجه پدر و پرونده سازی برای خواهرانش در مجازاتی که برای او تعیین شده بود دست به اعتصاب زد. او گفت: «به نفس عمل گروگان گیری خانواده زندانی سیاسی و جانباخته راه آزادی اعتراض خواهد کرد.» در نامه ای که آتنا فرقدانی از زندان منتشر کرد او موارد زیادی از شکنجه خانواده های زندانیان سیاسی را برشمرد. او به زندانیانی همچون مریم و رضا اکبری منفرد؛ که به جرم دادخواهی برای تیرباران چهار خواهر و برادر خود در دوران انقلاب در زندان هستند اشاره کرده و از افرادی مانند فاطمه مثنی که در ۱۳ سالگی فقط به خاطر اینکه خواهر سه برادر اعدامی بود در زندان

شکنجه نوع دوم؛ آزار خانواده زندانیان سیاسی



مریم دهکردی

نزدیک به دو هفته قبل ضیا نبوی از فعالان شناخته شده اصلاح طلب به همراه فرهاد میثمی، فعال مدنی که چندان در مبارزات سیاسی شناخته شده نبود بازداشت شد.

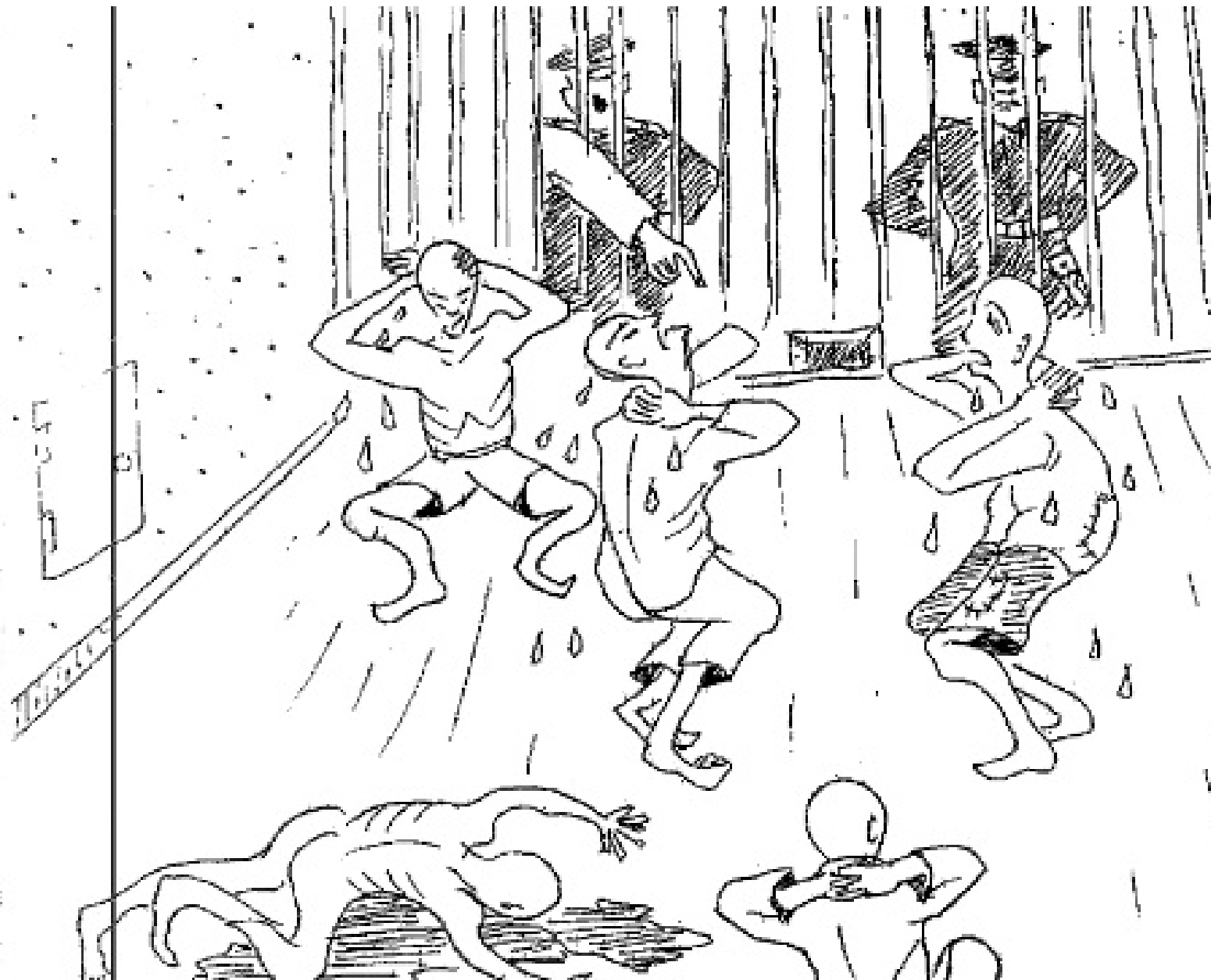
فرهاد میثمی سالها قبل موسسه علمی آینده‌سازان را تأسیس کرده بود و نام اون چندان برای اهالی سیاست آشنا نیست اما داوطلبان کنکور در دهه هفتاد او را خوب به خاطر دارند. در پی افشای انتقال فرهاد میثمی به بند ۲۰۹ زندان اوین، گفته شد مبارزه با حجاب اجباری و تهیه پیکسل هایی که روی آنها عبارت «من با حجاب اجباری مخالفم» از دلایل بازداشت او بوده است، اگر چه نهادهای بازداشت کننده اتهام مشخصی برای بازداشت وی مطرح نکرده‌اند.

۱۱ روز پس از بازداشت این فعال مدنی، «رضا خندان»، همسر «نسرین ستوده» وکیل دربند، از تماس تلفنی ماموران با مادر بیمار و سالخورده فرهاد میثمی خبر داد. او در صفحه فیسبوکش نوشت: «دست کم دوبار ساعت ۱۱ شب و حوالی ۴ صبح چهارشنبه ۱۷ مرداد، تلفن مادر سالخورده، بیمار و تنهای فرهاد میثمی را گرفته و صدای کتک‌کاری و اعتراف‌گیری از فرزندش پخش کرده‌اند. در اولین تماس، اگر نبودند دوستانی که پیش ایشان بودند چه بسا ما اکنون با یک فاجعه دیگری مواجه بودیم و هیچ کس نمی‌توانست علت را بفهمد. مادر آقای

میثمی از شدت نگرانی و وحشت دچار گرفتگی عضلانی می‌شود و ساعت‌ها تلاش دوستان او را به شرایط عادی بر می‌گرداند. فرهاد میثمی با حکم شعبه ۲ دادرسی اوین بازداشت و تحویل وزارت اطلاعات شده است. مسئولیت هر اتفاقی برای آقای میثمی و مادر سالخورده ایشان، هم با قوه قضاییه است و هم دولت که مسئول مستقیم وزارت اطلاعات است. براساس قانون جدید وکلای انتخابی نمی‌توانند پیگیر پرونده‌های سیاسی شوند؛ بنابر این خانواده و دوستان هیچگونه اطلاعی از وضعیت ایشان ندارند.»

چنین اتفاقی در کارنامه نهادهای بازداشت کننده در جمهوری اسلامی بالاخص وزارت اطلاعات مسبوق به سابقه است. در طول ۴۰ سال گذشته، همواره خانواده‌های زندانیان سیاسی با انواع و اقسام شیوه‌های غیرقانونی و اغلب با هدف اعتراف به جرم فرد بازداشت شده تحت شدیدترین آزار و اذیت‌های روحی و روانی قرار گرفته‌اند. تقریباً تمامی بازداشت شدگان این طیف به نوعی هدف این آزارها بوده‌اند و هر یک خاطرات تلخ و غریبی از این برخوردها دارند.

شهرام رفیع‌زاده روزنامه نگار و وبلاگ نویس ساکن آمریکا در خصوص تجربه شخصی اش از فشارهای وارد شده بر خانواده در دوران بازداشت خود در دهه ۸۰ می‌گوید: «واقعیت این است که وقتی در بازداشت هستی همه



و ادبیاتی سخیف او را هم به بازداشت تهدید کرد. به صورت رسمی تا ۴۵ روز بعد از این اتفاق، هیچ نهادی مسئولیت بازداشت من را به عهده نمی‌گرفت و این رنج مضاعفی برای خانواده‌ام بود چون به هر جا مراجعه می‌کردند خبری نمی‌توانستند از سرنوشت من بگیرند. بالاخره در روز پنجاهم بازداشت، به من اجازه داده شد تا با خانواده‌ام تماسی یک دقیقه ای بگیرم و فقط اطلاع بدهم که زنده هستم.»

یکی از زندانیانی که خانواده‌اش بارها مورد آزار قرار گرفته‌اند «رامین حسین پناهی» است. این زندانی سیاسی کرد به اتهام «بغی» به اعدام محکوم شده است. وکلای رامین حسین پناهی بارها ادعان داشته‌اند که مسلح بودن

نگرانیات خانواده است. وای به روزی که بفهمند روی کسی حساس هستی یا فردی از اعضا خانواده برایت اهمیت ویژه‌ای دارد.»

او که در پرونده موسوم به وبلاگ نویسان سال ۸۳ به همراه سه تن دیگر در دادگاهی برابر قاضی مرتضوی قرار گرفته است می‌گوید: «من را خیلی ناگهانی و در محل روزنامه اعتماد طوری بازداشت کردند که حتی فرصت نکردم به سردبیر اطلاع بدهم. برادرم هم که با من در یک محل کار می‌کرد وقتی متوجه بازداشت من شد سریع به بیرون ساختمان آمد و وقتی دید من را با تهدید اسلحه دارند سوار یک پیکان می‌کنند سعی کرد شماره ماشین را یادداشت کند اما یکی از ماموران با لحنی لمپن‌مآب



او در هیچیک از دادگاه‌های برگزار شده اثبات نشد اما حکم اعدام وی تا امروز شکسته نشده است. ۲۳ مردادماه ۹۷ یکی از وکلای رامین حسین پناهی از انتقال ناگهانی وی از زندان سنندج به زندان رجایی شهر خبر داد و گفت: «انتقال شبانه و وجود حکم قطعی اعدام در پرونده، خانواده و وکلای این فعال سیاسی کرد محکوم به اعدام را نگران کرده است.»

«امجد حسین پناهی» برادر رامین که در آلمان زندگی می‌کند نیز با تایید این خبر می‌گوید: «رامین با موافقت قاضی پرونده قرار بود برای مداوای بیماری کلیه خود به یکی از بیمارستانهای سنندج اعزام شود اما به صورت ناگهانی به کرج و زندان رجایی شهر منتقل شد. او تماس تلفنی کوتاهی نیز با خانواده داشته اما موفق نشده درباره دلیل انتقال خود به کرج توضیحی ارائه کند.»

به گفته برادر رامین حسین پناهی نگرانی خانواده منجر به مراجعه آنها به زندان سنندج شده است. «اگرچه مسئولان زندان گفته اند رامین برای معالجه پزشکی منتقل شده اما خانواده باور نمی‌کنند این انتقال ۵۰۰ کیلومتری به دلیل درمان صورت گرفته باشد.»

او همچنین اضافه می‌کند که بعد مسافت خود عامل دیگری برای آزار و اذیت خانواده محسوب می‌شود چرا که طی کردن فاصله ۵۰۰ کیلومتری میان سنندج و کرج برای پدر و مادر سالمند و بیمارشان خیلی دشوار است و با این وصف امکان ملاقات رامین را ندارند.

شهرام رفیع زاده در خصوص تجربه شخصی‌اش در مورد سلب حق ملاقات می‌گوید: «۵۸ روز پس از بازداشت، من را از خانه امنی که در آن زندانی بودم به دادسرای مستقر در فرودگاه مهرآباد بردند و من آنجا توانستم در حضور ماموران چند دقیقه خانواده‌ام را ببینم. این هم برای من بازداشت شده خیلی عذاب‌آور بود هم برای خانواده‌ام.»

تهدید خانواده زندانیان به بازداشت هم یکی دیگر از موارد آزار تکرار شده در میان زندانیان سیاسی و عقیدتی است. در مورد برخی خانواده‌ها کار از تهدید به بازداشت گذشته و به صدور حکم رسیده است در حالی که هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای چنین اقدامی از سوی قوه قضائیه وجود نداشته است. از نمونه‌های اینگونه آزار رسانی به خانواده زندانیان می‌توان به حکم صادر شده برای خواهران «آتنا

دائمی» فعال حقوق کودکان اشاره کرد.

۱۹ فرودین ۱۳۹۷، «آتنا دائمی» در اعتراض به این حکم که به اتهاماتی نظیر «تمرد در برابر ماموران در حین انجام وظیفه» و «توهین به مامور دولت حین انجام وظیفه» برای دو خواهرش صادر شده و هر کدام از آنها را به سه ماه و یک روز حبس تعلیقی محکوم کرده بود دست به اعتصاب غذا زد. خانواده آتنا از یک سو به دلیل حکم صادره و از سوی دیگر به دلیل اعتصاب غذای آتنا در رنج بودند. نگرانی مادر آتنا دائمی از به خطر افتادن سلامت فرزند در حبسش از یک سو و اضطرابش به دلیل امکان بازداشت دو دختر دیگرش وضعیت بغرنج و نامساعدی برای این خانواده به وجود آورده بود.

تحت فشار قرار دادن خانواده زندانیان گاهی به شیوه‌های غیرمعمول‌تر از آنچه برای عموم رخ می‌دهد اتفاق می‌افتد. شهرام رفیع زاده در این باره می‌گوید: «یکی از

بدترین آزارهایی که در دوران بازداشت من به خانواده‌ام رسانده شد قطع شدن حقوق من بود. من گمان می‌کردم تا دو سه ماه حقوق من به خانواده پرداخت خواهد شد. من حقوق روزنامه نگاری می‌گرفتم و اگر چه زیاد نبود اما باعث می‌شد خیالم راحت باشد که خانواده حداقل از نظر معیشتی مشکلی ندارند اما بعد از آزادی متوجه شدم سعید مرتضوی با روزنامه اعتماد تماس گرفته تهدید کرده است هیچ عایدی به خانواده من پرداخت نشود و آنها هم ناچار به پذیرش شده بودند.»

چندی پیش «هما سلطانی» دختر جوان «عبدالفتاح سلطانی» وکیل دربند، بر اثر سکته قلبی درگذشت. در ویدئوهای منتشر شده از مراسم سوگواری او در جایی مادرش فریاد می‌زند: «می‌دونستم چی تو قلبش بود. نتونست تحمل کنه.»

بسیاری از نزدیکان این خانواده بر این باورند رنج زندانی

بودن پدر برای این دختر جوان آنقدر عمیق و عظیم بود که در آستانه ۳۰ سالگی منجر به سکته قلبی‌اش شده است. اتفاقی تراژیک و دردناک که اگر چه منابع رسمی آن را تایید نمی‌کنند اما هیچ بعید نیست. عبدالفتاح سلطانی هفت سال را در زندان سپری کرد و در آخرین نوبت برای سوگواری و خاکسپاری فرزندش اجازه مرخصی دریافت کرد.

یکی از هم‌دانشگاهیان هما سلطانی که مایل نیست نامش فاش شود می‌گوید: «هیچوقت اجازه نداد کسی بفهمد چه درد بزرگی در دلش بود. او سال‌ها در کلاس کنار ما نشست اما هیچ‌کدام نفهمیدیم چه رنجی می‌کشد. نمی‌دانم برای خودش ناراحت باشم که رفت، برای پدرش که قرار است در زندان این رنج را تحمل کند یا برای مادرش...»

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران / محمود امیری مقدم
سر دبیر این شماره: نعیمه دوستدار
تماس با مجله: mail@iranhr.net

